**هو الأبهی**

يا أبا الفضائل و أمّه و أخيه چندی است که بوی خوش معانی از رياض قلب آن معين عرفان بمشام مشتاقان نرسيده و حرارت حرکت شوقيّه شعله‌اش بخرمن دلهای دوستان حقيقی نرسيده و حال آنکه مکتوب مفصّلی در بدايت حرقت از فرقت محبوب آفاق ارسال شد دليل وصول ظهور ننمود و اشاره قبول مشهود نگشت معلوم است که اين افسردگی و پژمردگی از شدّت احتراق از فراق محبوب آفاق است و اين خمودت از کثرت تأثّرات در مصيبت کبری و لکن انوار شمس حقيقت را افولی نه و امواج بحر اعظم را سکون و کمونی نيست فيوضات ملکوت ابهی مستمرّ است و تجلّيات جبروت اعلی مترادف ابر نيسان عنايت فائض است و شريان محبّت اللّه در جسد امکان نابض تأييد از رفيق ابهی متتابع است و توفيق از حضرت کبريا متواتر اگر آن افتاب انور از افق أدنی که افق امکان است غاربست از افق اعلی طالع و لائح اگر تا بحال ابصار بشر بسبب سبحات جسمانی از مشاهده آفتاب حقيقت نورانی محروم و ممنوع و محتجب بود حال آن حجاب که در هر عهد و عصر وسيله انکار بود کشف الغطاء گرديد چه که در جميع احيان ظهور که مظاهر احديّتش از مطلع امکان طالع شدند بهانه اعظمشان اين بود که ميگفتند "إنّما أنت بشر مثلنا" و ما هذا الّا بشر مثلکم خلاصه ظهور آن مظاهر احديّت را از مطالع بشريّت علّت بطلان ميشمردند و سبب انکار ميکردند و بعد از صعود مؤمن و موقن ميشدند زيرا بظاهر شخص بشری ملاحظه نميکردند لهذا منتبه قوّت و برهان و حجج الهی ميشدند و مظهر "و بصرک اليوم حديد" ميگشتند چنانچه اگر ملاحظه بفرمائيد مشهود ميگردد که در جميع اعصار اعلاء کلمة اللّه بعد از صعود مشارق انوار بافق اعلی گرديد چه که ناس فطرةً ايمان بغيب را خوشتر دارند و دلکشتر شمرند در جميع احيان در يوم ظهور انکار نمودند و استکبار ورزيدند و بهانه جستند و در لانه اوهام آشيانه کردند و چون ملاحظه مينمودند که شخصی بهيکل بشری ظاهر و مشابهت جسمانی دارند از موهبت ربّانی محتجب ميماندند چون بصر شيطان که نظر در جسم خاکی و طلسم ترابی حضرت آدم کرد و از آن کنز بی‌پايان که اعظم موهبت الهيّه و أشرف منقبت انسانيّه است کور و نابينا شد و "خلقتنی من نار و خلقته من طين" گفت. باری مقصود اين است که در رساله ايقان هيکل بشريرا بمنزله سحاب شمرده‌اند و حقيقت نورانيّه را بمنزله آفتاب و "حينئذ تشهدون ابن الانسان آتياً علی سحاب السماء بقوّات و مجد عظيم" عبارت انجيل را باينگونه تفسير و تأويل فرموده‌اند پس حال وقت شعله و اشتعال است و هنگام ندا و انجذاب وقت آنست چون بحر در جوش آئيد و چون سحاب در برق و خروش و چون حمامه حديقه وفا در نغمه و ترانه بکوشيد و چون طيور سماء بقاء در تغرّد و نوا آئيد ای بلبلان گلزار هدايت و ای هدهدان سبای عنايت وقت جوش و خروش است و هنگام نغمه و آهنگ است دلتنگ منشينيد و محزون و دلخون مخسبيد پرواز باوج علا نمائيد و آغاز آواز در گلشن هدی نمائيد قصد سبای رحمن کنيد و آهنگ رياض حضرت منّان اگر در اين بهار الهی نغمه نسرائيد در چه موسمی آغاز ساز نمائيد و بگلهای معانی همدم و همراز گرديد. يا أبا الفضل اين اشتعال نار سدرتک و اين اشراق أنوار محبّتک و اين أمواج بحر عرفانک و اين نسائم رياض ايقانک و اين نغماتک السارة للآذان و اين نفحاتک المعطّرة لمشام أهل الامکان اين جذبة قلبک و اين سعة صدرک و اين بشارة روحک و اين اشتعال جذوتک و اين شعلة قبستک دع السکون و لو کان فی هذه الايّام الخمودة من شدّة الهموم ممدوحة محمودة فاخرج من زاوية الخمول و اقصد اوج القبول و طرفی هذا الفضاء الأبهی و ادخل حديقة أمر اللّه بقيامک علی نشر روائح قدسه و اعلاء کلمته قياماً يتزلزل به ارکان الشرک و يرتعد به فرائص الاحتجاب عن ربّ الارباب و تعلو معالم العرفان و تنتشر اعلام الايقان و تخفق رايات التبيان و يرتفع شراع الحياة فی سفينة النجاة علی بحر الامکان جناب آقا سيّد محمّد در خصوص حرکت آنحضرت بصفحات بمبئی تفصيلی مرقوم نموده‌اند جناب آقا ميرزا عزيز اللّه تفصيلاً عرض خواهند نمود اگر چنانچه موافق رأی واقع شد بنظر چنين ميآيد که وجود آنحضرت مثمر ثمری جديد خواهد شد. در صورت تصمّم بر عزيمت بنظر چنان ميآيد که اوّل بزيارت تربت طاهره مشرّف شويد بعد عازم آن سمت گرديد و الروح و البهاء و الثناء عليک بنهايت استعجال مرقوم شد عفو فرمائيد عبده عباس رساله استدلاليّه که اثر خامه آن جان پاک بود قرائت و تلاوت شد بشکرانيّت الطاف حضرت احديّت لسان گشوديم که بتأييدات ملکوت ابهايش نفوسی مبعوث فرموده که بهدايت جميع فرق عالم قيام نمايند و نطق و بيان و قوّت برهانشانرا در جميع ملل عالم مماثل و مقاومی نباشد. نشکره علی ما أنطقک بثنائه و أقامک علی بيان برهانه و إثبات حججه و دلائله و إظهار أمره بين ملکوت خلقه و لو کان للناس آذان واعية و عقول زکيّة و نفوس مطمئنّة و قلوب صافية لکفتهم هذه الرسالة و إنّی لاتضرّع إلی اللّه أن يجعلک آية الهدی و راية التُّقی و منار العرفان و مطلع الإيقان و ممهّد الطريق و الدّالّ علی سواء السّبيل بين ملأ الوجود و قائد جنود الحياة فی ملکوت الشّهود إنّه مؤيّد من يشاء و إنّه لعلی کلّ شیء قدير و البهاء عليک ع‌ع